

## خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد، به خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند. [۱] از این رو خوشنویسی با نگارش ساده‌ی مطالب و کتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از

**سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.**

**اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم الخط»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز - یعنی «کرسی» - هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده‌است - اما به شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.**

## **خوشنویسی اسلامی**

**خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می دانسته اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می بردند. [ ]**

**خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین ها به ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده است.**

**قدیمی ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه دار خط کوفی منحنی و قوس دار است. [ ]**

**در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که**

**عبارتند از : محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از:**

**ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.** [۷]

**یک قرن بعد از ابن مقله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.** [۸]

**خوشنویسی ایرانی**

**درحالی که عمده تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می باشد. در این منطقه نیز**

**خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای  
بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.  
در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه نسخ  
وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق  
مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت  
یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و  
خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با  
ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان  
نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر  
میرزا بود. [۹]**

**آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی  
ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر  
مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا  
برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به کار  
رفته است. این در حالی است که خط نزد اعراب و  
ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته است.  
هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی  
قلم‌هایی را بیشتر به کار می‌بردند، اما اوج هنرنمایی آنان  
- بر خلاف خوشنویسان ایرانی- در خط ثلث و نسخ و  
کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.**

**در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا  
احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و  
مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره  
می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد.**

هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالهی منشی استرآبادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد. [۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید. [۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به

**فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.**

**بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را میتوان قرنهای درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را میتوان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آنرا نیز بوجود آوردند. [۱۲] درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند.**

**در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رخت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشی‌خط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است.**

**در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سالهای اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی - ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد ، خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.**

## **فن الخط**

**فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla ۱۹۹۶ : ۱۷).**

**والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla ۱۹۹۶ : 18). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان**



**والمكان من الشخص (Diringer ١٩٦٨ : ٤٤١). ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فريزر و Kwiatkowski ٢٠٠٦ ؛ جونستون ١٩٠٩ : بلايت ٦). يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla ١٩٩٦). يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء ؛ وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرجلة في لحظة الكتابة (بوت ٢٠٠٦ و Zapf ٢٠٠٥ : ٢٠٠٧).**

**و يستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والإعلانات / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.**

**الأدوات**

**الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم ، مشطوف الرأس  
والمدبب و الريشة. وهناك المحبره عبارة عن حبر  
زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات  
الخط الورق عالي الجودة.**

## **الفنون البصرية**

**الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على  
إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في  
الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية  
(الخزف ،الرسم ،الرسم الفني ،النحت،العمارة،  
والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير  
الفوتوغرافي ،الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم  
والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية  
(الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن  
الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية،  
بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه  
التعريفات ليست دقيقة.**

**والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح  
"الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى  
الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل  
حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن  
أخرى في مطلع القرن 20th، "الفنان التشكيلي" يعود  
على الشخص الذي يعمل في مجال الفنون الجميلة (مثل**

**الرسم ، النحت ، أو الطباعة) وليس مجال الاشغال اليدوية والحرفية ، أو من يطبق ضوابط الفن . وأكد التمييز من قبل فنانيين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرّون أشكال الفن العامية بقدر الأشكال الامة. الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابقائها مقصورة على فئة معينة من الناس . [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن .**

### **فن الكمبيوتر**

**الفنانيين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي . أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة {0الأداء/} أو قالب: Dn ، للتحريز ، لاستكشاف مكونات متعددة ، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد .**

**فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني . هذا الفن يمكن أن يكون صورة ، صوت ، صور متحركة ، فيديو ، أقراص مضغوطة ، دي في دي ، لعبة فيديو ، موقع ، خوارزمية ، أداء ، أو تثبيت معرض رسوم . العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و ، نتيجة لذلك ، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل**

**الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال ، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحاسبي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك ، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك ، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية ، على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.**

**استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون ، المصورون ، محررين الصور ، النماذج ثلاثية الأبعاد ، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة ، وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة.**

**آرٹ**

**آرٹ ایس کم یا کماں نوں آک یا جاندا ا جید وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا ا ج اوہ سو نیاں لگن آرٹ دی بنی شی کوئی ک انی دسدی ا یا صرف کوئی سو نا سچ یا مسوس ون والا جذبہ انسائیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرٹ نوں اینج دسد ا ، " اوہ سو نیاں شیواں، محول، یا تجربیاں جن ان نوں دوجیاں نوں وی دسیا جا سک ت جن ان د بنان وچ سوچ ت گر نوں ورتیا گیا و " ایت آرٹ وچ مورتاں (Painting)، بتی بنانا (Sculpture)، ت فوٹوگرافی آند نیں آرکیٹیکچر نوں وی ویک جان وال آرٹ وچ گنیا جاندا ا پر او د وچ اوس ش ت کم لینا او د بنان دا مڈھ وندا ا موسیقی، ت یٹر، فلم نوں آرٹ نال رلایا جاسکدا ا**

**آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ ا جید وچ ایہی اصل ایذا بنانا ت ای نوں دسنا آند نیں آرٹ اک ول یا راہ ا انسانی سوچ یا جذبہ نوں دسن یا کس ورتک اپران لئی ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا ت آئیڈیل نقل (Mimesis) ا لیو ٹالسٹائی ای نوں اک بند توں دود بند تک گل اپران دا پڈ ا ول کیندا ا مارٹن آئیڈگر دی اک وچ آرٹ اک ایسا ول ا جید را یں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی ا**

## تريخ

### وينس ولندورف

آرٽ ڊ سب توں پراڻ نمون پٽ ر ويل توں لڊ نيس  
وينس ولندورف 24,000 توں 22,000 م پ ڊي اڪ  
زناني ڊي پٽ ر ڊي بني مورتى ا جي ٽي آسٽريا توں  
لبى سى لاسكو، فرانس وچ زمين ڊ اندر غاراں وچون  
17,300 ور پرانيان جانوراں ت انسانا ڊيان مورتاں  
ڪنداں ت بنيان ملياں نيس اري ناں وچ انسان شڪار ڪرڊا  
دسيا گيا ا وشڪار پٽ ر ويل 8000-6000 م پ  
لنگان ت نيولٽ ڪ ويل 6000-3000 م پ وچ انسان  
ن وائي بي جي ت اڪ ت ان ت ٽڪ ڪ ر ناسڪ يا،  
ر تلاں گنجلياں وياں ت مذ ب ن وي مانتا پائي ت  
انسان ن اپڻ خيد لئي ت نال ڪئي چيزاں بنانياں  
سڪ ياں ت خير ڪانسي ويل 3000-1000 م پ وچ  
پر لياں انساني ر تلاں پونگريان پراڻ مصر، پراڻ عراق،  
فارس، ٽپر ر تل، چين، پراڻ يونان، روم ت انڪا ت ميا  
ڊياں ر تلاں ن اپنياں آرٽ ڊياں ريتاں اپنياں ضرورتاں ت  
اپڻ ڪول ون والياں شيواں توں بناياں آرٽ اودون  
لڪ ائي ڊ بن نال ٿرڊا ا لڪ ائي اپڻ مڏھ ويل  
توڻ ت بپار ڊ ڪم نوں سوڪ ا ت لين دين نوں ياد  
رڪ ن لئي بني لڪ ائي پر ا مورتاں نال ت خير وازاں  
نوڻ نشان ڊ ڪ ت او ناں نوڻ جوڙ ڪ بنائي جانڊي

## پرانہ عراق

پرانہ عراق دا آرٹ دجلہ تہ ضرات دہ دریاواں دہ  
وشکار 6 زارور پہ تہواوتہ پونگرن والیاں  
اشوری، سمیری، کالدي، رتلاں وچہ بنیا ایتہ وں دہ  
آرکیٹیکچر وچہ اٹہ تہ ڈاٹہ دا ورتنہ سی تہ ایدہ نال  
زکورت، مندر تہ وکریاں پدہ راں والہ رم بنہ گہ  
محلاں وچہ وکریاں پدہ راں تہ سو نہ رک لا گہ  
جیرہ پرانی دنیا دیاں 7 نویکلیاں شیواں وچوں سنہ  
بتی بنانہ دا ول لکڑنوں چہ لک تہ نقشی دہکی پتہ ر  
نال بنیا تہ ایریاں نال مذہبی، شکاری تہ فوجی  
وکالہ انسانان تہ جانوراں نال بنہ جانده سنہ سمیری  
ویلہ وچہ نکیاں بتیاں جناں دہ کھار تہک، رنگا پتہ ر  
دیاں، گندہ سرتہ چہ اتیاں تہ نہ سنہ اکادی ویلہ  
دیاں بتیاں دہ سردہ والہ لم تہ داڑیاں سنہ جیویں  
نارام سینہ عموری ویلہ دیاں بتیاں نوں لاگاش گڈیا  
وچہ سمجیا جاسکدا اہ جیدہ چہ گڈیاں چادر سرتہ  
ٹوپیتہ نہ چہ اتی تہ رک نیں اشتر بوا جیرا بابل  
وچہ 575 م پہ وچہ بنایا گیا سی بابل دہ آرکیٹیکچر  
ارٹہ دی وڈی نشانی اہ تہ ایدہ کج حصہ پرگامون  
میوزیم، برلن وچہ  
گیونل شیرنی 5000 ورہ پرانی لائم پتہ ر دی بنی اکہ  
مورتی اہ عراق وچہ ایراودوں بنی جدوں پہ ی تہ  
لک نہ دا ول بندہ گہ دہک نہ عراق وچہ ارک وچہ گول

پیپے ورگیاں مہ راں تہ بنیاں مورتاں ک انی سناندا اک  
 نویکلا ول سی ای مہ راں پتہ ر مٹی یا کسہ ور شہ  
 دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سن رات دی رانی عراق  
 چوں لبی کوئی 3800 ور پرانی پتہ ر تہ بنی عورت  
 دیوی دی بتی ا جید پیر پنجدی ورگہ دوال پر،  
 سجدہ ک ب شیرتہ الو نیں گڈیا دی بتی 2144 -  
 2124 م پے ور پرانی ا اردا سٹینڈرڈ، کڑی  
 بکری، تانبہ بلد تہ گدھ دی یادگار پرانہ عراق د  
 آرٹ دیاں منیاں پرمنیاں نشانیاں نیں  
 لکائی دا ول بن نال پرانہ عراقی لک تان وچ وی اپن  
 آپ نوں دسد نیں گلگامش 17 صدی م پے وچ  
 لکھی گئی اید وچ سمیری تہ اکادی دیوتاواں دیاں  
 ک انیاں نیں اٹرا سس، اکادی ویل دی اک لک تہ  
 ا جید وچ رآن دی ک انی دسی گئی ا بابل  
 دیاں لک تان وچ سب توں منی پرمنی لک تہ انوما الیش  
 ا جید وچ ایس کائنات د بن دی ک انی دتی  
 گئی ا

**پرانا مصر**

**ملک نیضریتی**

پرانا مصری آرٹ 5000 م پے توں لک 300 تک د  
 ویل تک پیلی وئی مصری رتل دی نشانی ا تہ  
 ای د وچ مورتاں، بتیاں، آرکیٹیکچر تہ رل دیاں چیزاں  
 آندیاں نیں ای مصری آرٹ پرانیاں قبراناں تہ یادگاری



ت انواں توں لبیا ت اینج اید وچ مرن مگروں جیون ت  
 پرانی جانکاری نوں بچان ت زور ا ای آرٹ 3000 م  
 پے توں ل ک تیجی صدی تک ت اچیچ دوسر ت  
 تیسر ٹبر ویل وچ بنیا 3000 ور د لم ویل وچ  
 ایدا ت با ردا کوئی اثر ناں پیا ت جس ودیا ول نال  
 ای ٹریا ت بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا ایس ویل  
 دا منیا آرٹسٹ پیبلو پکاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا  
 ا

مصر اک سکا دیس ون باجوں ایت بنیاں مورتاں  
 ژ یکے ملیاں نیں مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں  
 چوک یاں جانیان جان والیاں رامسیس II، اخناتون،  
 نیفریتیتی، اوسکورن II، امن وٹپ II، منکار ت  
 تتنخامون نیں مصری پانڈ پتے رتوں ل ک مٹی نال  
 بند سن ت او ن ت کار یا رنگا نقش بند وند  
 سن ای ناں وچ عام کر وچ ورتن د پانڈ مرتبان، کڑ  
 نیں

مصری مندراں، محلاں، رماں، قبراں، ت ور کوڈ یاں  
 نوں بنان وچ اٹ، لائم پتے، ریتلا پتے، رتے گریناٹ ورت  
 گ لکڑ ت وڑی ون باجوں ایدا ورتن ت وڑا ا خوضو  
 دا ا رام، ابوال ول، کرناک، لکسر، ادفو د مندر  
 اید وڈ ادرن نیں مصری لک تاں ت مورتاں بنان  
 لئی پیپائرس ورتد سن ای اکے بوڑ توں بنایا جاندا  
 سی ایدیاں نشانیاں مصر د سک موسم وچ رہ گیا

**ہور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر پر کتہ ور  
ناں ریاں**

**پرانا یونان**

**پرانا یونانی آرٹ بتیاں، آرکیٹیکچر، پانڈ تہ مورتاں  
وچ دسد ا تہ ایس ز یورپ تہ ایشیاء وچ پاکستان  
تک اپنہ رنگ چ ڈ نیں یونانی پانڈ وک ریاں  
ویلیاں وچ وک ریاں ولان تہ نمونیاں وچ بند سن  
پانڈ جناں وچ مرتبان تہ پلیٹاں تہ عام زندگی دیاں  
مورتاں بنیاں وندیان سن یونانی آرکیٹیکچر اپنی  
شان، سادگی تہ سونپ وچ اپنی اد ارن آپ ا  
پرگامون، پارتہ یینن، یفسٹس دا مندر ویک ن والیاں  
تہ انوان نیں مائلو دی وینس، سیمو تہ ریس دی نائیک ،  
یونانی بتیاں دیاں ودیا اد ارن نیں**

**دک نی ایشیاء**

**دک نی ایشیاء وچ آرٹ دی ریت رپ ر تل توں ٹردی  
وئی اج د ویلہ تک اپڑدی ا بانڈ بتیاں  
آرکیٹیکچر، مورتاں تہ ای آرٹ ویک یا جاسکدا ا  
م نجودارو دی نچدی کڑی، پنڈت بادشاہ، م راں  
جذ ان تہ اتہ بلدت سواستیکا بند و سن، تہ مٹی  
د وڈ مرتباناں تہ پانڈیاں تہ مورتاں اوس ویلہ د  
آرٹ دا وک ال نیں بتہ بنانا ندوجین تہ بدھ مت  
دی ریت رئی ا اجنتا د غار پرانی ہندستانی بتی**

**دی اک ودیا ت ان ا ندو زاراں وریاں توں اپن  
دیوی دیوتاواں**

**وشنو، شیوا، لکشمی، گنیش، نومان، اندرا، رام ت  
سرسوتی دیاں مورتاں ت بتیاں بنا ک مندران ت کراں  
وچ رک د آئیں اتل پنجاب وچ گند ارہ بدھ  
مت د ارکیٹیکچر دی وڈی ت ان سی ای بتیاں بدھ  
ت اود جیون د دوال نیں ت ویل نال ای ناں د  
بنان وچ تبدیلیاں آئیاں ت یونانی رنگ وی دسدا ا  
مغل راج ویل ایرانی رنگ موراں وچ دسدا ا مغل  
راج ویل دیاں مورتاں مغل بادشاہاں ت او ناں د  
جیون د دوال ای بنیاں نیں کانگڑہ راجپوت ت  
پنجاب مورتاں بنان د مغلاں مگروں وک ر سکول سن  
مورتاں د ول نوں انگریزاں ن آک اپنا رنگ وی چاڑیا  
قطب مینار قطبادین ایبک دی جت ت دلی وچ بنایا  
گیا اک مینار ا ارکیٹیکچر وچ پراز قلعیاں مندران  
د مگروں مغل ویل وچ مغل آرکیٹیکچر ندستان دی  
پ چان بند ا تاج محل، بادشاہی مسجد، شالامار  
باغ، شاہی قلع مغل آرکیٹیکچر د کج نشان نیں**

**اسلامی خطاطی**

**اسلامی خطاطی: ی ایک فن، جو لکھنے سہ تعلق  
رکھتا بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز  
میں لکھنے کا فن [1] اس فن کو اسلام سہ  
جوڑ دیا گیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول**

ہونا اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ دینے میں کامیابی ملی [2]

یہ فن عربی زبان ہی میں نہ بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بہی عام

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سراہی گئی مذہب اسلام کے مانند وال دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بولتے ہیں یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بہی یہ فن مقبول ہوا قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا چنانچہ مشین ایجاد ہونے پر لکھنے والے کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا عثمانیہ دور میں 'دیوانی' خط عروج میں آیا دیوانی خط کا ایک روپ 'جلی دیوانی' یا 'دیوانی الجالی' رفتہ رفتہ، 'رقع' خط کا ارتقاء ہوا اشیاء خطاطی [ترمیم]

رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ اہم ہیں

• قلم: خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنایا جاتا ہے۔ یہ "برو" یا "بانس" یا "بمبو" کے قلم مشہور ہیں قلم کی

نوک، حرفوں کی چوڑائی کے مطابق بنایا جاتا ہے۔  
 حروف جتنے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی  
 • دوات : دوات، شئی، اور ہر قسم کے رنگ پر  
 استعمال ہوتا ہے۔  
 خطاطی سے کہنا کہ کئی مراکز پر ہیں شہر  
 حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی  
 اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج پر خطاطی میں  
 ٹریننگ دے رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی [ترمیم]  
 اسلامی ”مسجد خطاطی“ پر ہے اسی فن کا ایک جز  
 مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن  
 کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات،  
 میناروں پر گنبدوں پر، اندرون گنبد پر قرآنی کلمات  
 کا لکھا جانا فن تعمیر-فن خطاطی کا ایک مرکب

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ - محمد صلی  
 اللہ علیہ وآلہ وسلم، مساجد میں لکھا ایک عام  
 رسم ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا ہے  
 عام

عربی زبان

عربی (العربية arabīyah) – al یا عربی / لغة عربية  
 (‘arabī)، سامی زبانوں میں سب سے بڑی اور عبرانی  
 اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی جڑید عربی  
 کلاسیکی عربی زبان (فصحی عربی یا اللغة العربية  
 الفصحی) کی تہ وڑی سی بدلی وئی شکل  
 فصیح عربی قدیم زمانہ سے ہی بہت ترقی یافتہ  
 شکل میں تہی اور قرآن کی زبان ہونہ کی وجہ سے زندہ  
 فصیح عربی اور ہول جائہ والی عربی میں بہت  
 فرق نہی بلکہ ایسہ ہی جیسہ ہول جائہ والی  
 اردو اور ادبی اردو میں فرق عربی زبان نہ اسلام  
 کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں  
 مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا اور ان  
 زبانوں میں عربی کے بہ شمار الفاظ موجود ہیں عربی  
 کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل  
 اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی  
 حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے کئی لہجہ  
 آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی،  
 حجازی وغیرہ مگر تمام لہجہ میں ہول والے ایک  
 دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجہ  
 کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی یہ دائیں سے بائیں  
 لکھی جاتی ہیں اور اس میں مزہ سمیت 29 حروف  
 تہ جی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا (Arabic  
 language)

**حروف ت جی**

**حروف ت جی سے مراد وہ علامتیں ہیں جن میں لک ز ک لے استعمال کیا جاتا اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں ہ استعمال کیے جاتے ہیں بعض ما رین لسانیات ک خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا ضیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں بعض ما رین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لے گئے ہیں جن میں حروف ابجد ہ کی کا جاتا ان کی پرانی عربی ترتیب کچ یوں ابجد ہوز حطی کلن سصفص قرشت ثخذ ضطغ از ہیں حروف ابجد ہ کی کا تے ہیں علم جفر میں ان ک سات کچ اعداد کو ہ کی منسلک کیا جاتا جو کچ یوں ہیں**

**اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم ک اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں بعض اہل علم مزہ ('ء') کو ہ کی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پہلے عربی ک انتیس حروف ت جی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی ک ان حروف ک علاوہ مزید حروف**

استعمال ہوتا ہے اردو میں مزہ سمیت کل 37  
حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے  
مجموعہ سے بہت زیادہ کی جاتی ہیں مثلاً ک ، پ  
وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود  
جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی  
تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو میں حروف کے  
اعداد حروفِ ابجد جیسے ہیں اضافی حروف  
کے لیے بہت سے مدد لی جاتی ہیں مثلاً 'پ' کے  
اعداد 'ب' کے برابر، 'ڈ' کے اعداد 'د' کے برابر، 'گ'  
کے اعداد 'ک' کے برابر اور ' ' کے اعداد 'ہ' کے برابر  
شمار کیے جاتے ہیں